

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال پنجم - شماره سوم - پائیز ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۷

سبک وقوع در غزل‌های میلی مشهدی

(ص ۲۳۶-۲۲۱)

محمدرضا مشهدی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۶

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

در قرن دهم هجری، میان شعر دوره تیموری و سبک هندی، سبکی حدّ واسط و نوین در غزل فارسی پدید آمد که سبک وقوع نامیده شده، شعر این سبک، حالات عشق عاشق و معشوق را بطور واقعی بیان مینمود و جزئیات عشق زمینی را به زبانی ساده، بازتاب میداد. میلی مشهدی، شاعر قرن دهم هجری است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا میلی مشهدی در غزل‌هایش، وقوعی سراسر و آیا نشانه‌ها و ویژگی‌های سبک وقوع را در اشعارش میتوان مشاهده نمود؟ پاسخ این پرسش را در این پژوهش مییابیم، زیرا همه ویژگی‌ها و نشانه‌های سبک وقوع، بطور برجسته و فراوان در غزل‌های میلی، نمایان است. از جمله: سادگی زبان شاعر، زمینی بودن عشق، بیان جزئیات در روابط عاشقانه، کمبود آرایه‌های ادبی و تصاویر شاعرانه، فراوانی مضمونها و درونمایه‌های متناسب با عشق زمینی و... سبک وقوعی میلی مشهدی را به اثبات میرساند.

کلمات کلیدی

شعر فارسی، سبک‌شناسی شعر، سبک وقوع، غزل، میلی مشهدی

مقدمه

میلی مشهدی (هروی)

یکی از شاعران قرن دهم هجری است که در مورد نام، تخلص و نسب وی آمده است که «میرزا محمد قلی تکلوی هروی متخلص به «میلی» از گویندگان بنام در سده دهم هجریست اسم او و تخلصش را معمولاً در تذکره‌ها «میرزا قلی میلی» و گاه «میلی تُرک» نوشته‌اند و نسبت «تُرک» از آنجا می‌آید که او از طایفه تکلو، قبیله‌یی از ترکمانان که سپاه قزلباش را تشکیل می‌دادند بود.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵، ب ۲، ص ۷۲۹) در مورد زیبایی و اخلاق او نیز آمده است «وجه حسن و خلق مستحسن داشت و از رموز عشق آگاه بود و طبعش در نظم، شکفته و دلخواه» (تذکره شمع انجمن، حسن خان بهادر، ص ۶۹۴) همه تذکره‌ها محلّ ولادت و منشأ او را هرات و جایگاه نشو و نما و تربیتش را مشهد دانسته‌اند همچنین وی «از شعرای زمان شاه طهماسب است. سلطان ابراهیم میرزای جاهی، وی را تربیت کرده، ترقی عظیم داد و بعد از شهادت میرزای مغفور به هندوستان آمده سیاحت مینمود تا به حق پیوست.» (تذکره ریاض الشعرا، واله داغستانی، ج ۴، ص ۲۱۶۳) از نیکویی شعر و درجه سخنوری او بویژه در غزل، بیشتر تذکره‌های شعر فارسی، یاد نموده‌اند. «الحق از شعرای معروف مذکور است» غایت نزاکت معانی، لطافت فکرت، جزالت الفاظ، دقت خیال، سلاست بیان، حلاوت آدا با کلام او هست... بسیار خوش طرز و مُنقّح‌گوی، از حشو و لغو خالی است و از منفردان زمان خود است. (عرفات العاشقین...، او حدی دقاقی بلیانی، ج ۶، ص ۳۷۶۷-۸) گلچین معانی نیز به نقل از خلاصه الاشعار، درباره شعر میلی آورده است «در وادی شاعری، تاج تارک ارباب فصاحت و ساقیه بحر بلاغت است، یگانه عهد و مشارالیه زمان خود است، و در طرز غزل و شیوه سخن گستری، نظیر ندارد و در فن قصیده نیز از شعرای بلاد خود وانمیمانَد، بلکه بعضی را مُدّعا آنست که در وادی قصیده نیز از امثال و آقران خود مثل خواجه حسین ثنایی و مولانا ولی دشت بیاضی در گذشته و در مضماری قصب السبق از آقران، ر بوده.» (کاروان هند، گلچین معانی، ج ۲، ص ۱۳۸۵-۶) بنابراین شعر وی هم در غزل و هم در قصیده دارای اهمیت است» ارزش وی در آنست که سخنی ساده و دور از ابهام و تعقید دارد و معانی خود را، در هر مرتبه و میزانی که باشد، در کلامی که مناسب و مساوی آنست می‌گنجاند. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵، ب ۲، ص ۷۳۰) جایگاه میلی در عشق ورزی و طرز و سبک وقوع در نزد شاعران سبک وقوع و تذکره نویسان ستوده شده است. «اغلب تذکره نویسان «لطف طبع» و «ذوق عشق بازی» او را ستوده و عده‌ای در طرز وقوع، وی را سرآمد شعرای عصر خویش دانسته‌اند.» (فرهنگنامه ادبی فارسی، عزیزاده، به سرپرستی انوشه، ج ۲، ص ۱۰۲۳) میلی، چندین فرد را مدح نموده که ۱- سلطان ابوالفتح ابراهیم میرزا ۲- نورنگ خان ۳- بهروز محمد ۴- خان احمد

گیلانی ۵- جلال الدین محمد اکبر ۶- سلطان حسین میرزا ۷- قطب الدین محمد خان را میتوان برشمرد. وی سفرهایی نیز داشته که نخست از مشه‌د به سبزوار رفته سپس به قزوین و بعد از آن به گیلان سفر نمود. همچنین متوجه خراسان و قندهار گشته و در سال ۹۷۹ هجری به هند رسیده است. بعد از سه چهار سال اقامت در هند، وفات یافت و جسد او را به مشه‌د انتقال دادند.

در این پژوهش نخست به سطح زبانی و سپس به سطح ادبی و در نهایت به سطح فکری غزل میلی مشه‌دی پرداخته خواهد شد.

سطح زبانی

سادگی و روانی زبان

یکی از مهمترین ویژگیهای سبک وقوع آن است که کلام شاعران این مکتب، ساده و روان است. تعقید و پیچیدگیهای لفظی و معنوی را در سخن آنها، بندرت میتوان یافت از جمله غزل‌های میلی که بر وزن ترجیع بند معروف سعدی سروده شده، غزل زیر است که در سادگی و روانی به سخن سعدی، همانند است:

گر یار به سوی دیگران رفت	سوی دگری نمی توان رفت
فریاد که مدعی ز پیشم	با قاصد یار، همزمان رفت
نشناخت ز مسستیش همانا	کز پیش رقیب، سرگران رفت
تا درد دلم نگیرد آرام	از بزم تو مدعی، نهان رفت
میلی نتوان از او خبر یافت	از بس که به بزم این و آن رفت

(ص، ۶۹-۶۸)

○ دیگر از ویژگیهای زبانی سبک میلی مشه‌دی، کاربرد کلمات با نشانه جمع فارسی «ها» است:

ز تنها ماندگیها این فراغت یافتی میلی که اکنون با غمش هم خوابگیها در کفن داری

(۱۵۴)

دیگر نمونه‌ها: ساده لوحیها ص، ۸۵ / بی اعتباریها ۸۳ / بی اعتمادیها ۷۰ / بی اعتدالیها ۱۱۴.

○ همچنین شاعر، واژه‌هایی با نشانه قیدی «انه» ساخته است:

چو بیند غیر، مخصوصانه در دستم عنانش را بی رفع گمان، خود را نمایم دادخواه او (ص، ۱۳۴)

به این تقریر بی تابانه، میلی، شکوه کمتر کن مبادا در گریبان تو آویزد گناه او (۱۳۴)

○ میلی ، علاوه بر آنکه واژه « بی کسی » را بکار گرفته ، واژه « تاکسی » را نیز به معنای « بی کسی » آورده است :

امید حمایت ز کسانی که مرا بود از ناکسیم جانب آغیار گرفتند (۷۰)
 قاصد از ناکسیم کرد فراموش مرا دل همان به که به امید خبر نشیند (۸۲)
 در صفحات ۷۰، ۹۱ و ۱۳۵ نیز چنین کاربردی را میتوان یافت. در غزلی با مطلع زیر، شاعر ترکیبات متناسب با درونمایه‌های سبک وقوع آورده است :

گشود لب به حدیثِ ترخمِ آمیزی ربود دل به نگاه تبسمِ آمیزی (۱۴۵)
 دیگر ترکیبات زیبا و مناسب سبک وقوع که در محل قافیه این غزل ، واقع شده عبارتند از : آهوی مردمِ آمیز (یار)، ماهِ انجمِ آمیز (چهره یار)، سلام تبسمِ آمیز ، جفای تنعمِ آمیز. همچنین در دیگر غزل‌های شاعر نیز، مشابه ترکیبات فوق، میتوان یافت: مصلحت آمیز... جنگ ... ۴۲ ، سخنهای وفا آمیز ۷۷ ، گله آمیز ۹۷ ، گله نصیحت آمیز ۱۱۱ ، جنگ مصلحت آمیز ۱۴۵ .

○ میلی مشهدی با نیم کلمه «آلود»^۱ نیز ترکیبات متناسب با وقایع عشق سبک وقوع آفریده ، همچون غزلی با مطلع زیر:

مستی از لعلِ شرابِ آلود او معلوم شد وزخمار چشم خواب آلود او معلوم شد (۷۸)
 دیگر ترکیبات این غزل عبارتند از: سخنهای عتاب آلود ، نگه های حجاب آلود ، حدیثِ اضطراب آلود و سراپای شراب آلود.
 در غزلی دیگر با مطلع :

دوش در بزم که لبه‌ایت شراب آلوده بود؟ کز خمارش صبحدم، چشم تو خواب آلوده بود (۷۱)

نیز مانند غزل پیشین، ترکیباتی مشابه با ترکیبات آن غزل آفریده است: شراب آلوده، حجاب آلوده، اضطراب آلوده و خراب آلوده. برخی دیگر از این نوع ترکیبات:
 وعده خلافی ۵۸ ، ۶۴ ، ۷۵ / فراموش وعده ۶۲ / وعده فراموشی ۵۳ / کارکنان کرشمه ۸۸ / مژه پُرس‌تیز ۹۵ / بوالهوس نواز ۱۴۳ / آه بیخودانه ۱۲۷ / عاشق آزمایی ۱۳۵ / اعراض جواب آلوده ۱۳۹ / و...

میلی مشهدی (هروی) همچون دیگر شاعران مکتب وقوع ، ترکیباتی آفریده است که بازتاب دهنده حالات عشق، معشوق و عاشق است و وقایع پدید آمده ، میان آنها را نشان میدهد:

۱ . در خصوص نیم کلمه بودن «آلود» رک: دستور مفصل امروز

- غمزه بیگانه نما
آشنایی به تو صد بار اگر تازه کنم بازم آن غمزه بیگانه نما شناسد(۷۵)
- جان آرزو فرسود
به راه انتظارش هر دم از بی اعتمادیها گمانها گرد جان آرزو فرسود میگردد (۷۰)
- یقین ساز گمان
گمان دارم که خواهد شد شهید گلرخان، میلی نمی دانم یقین ساز گمان من که خواهد شد؟(۷۱)
- گفتگوی گریه آلود
چون کنم اظهار خشنودی؟ که بر آزار دل گفتگوی گریه آلودم گواهی میدهد.(۷۷)
- یکی از موارد دلپسند شاعر که متناسب اندیشه‌ها و سبک وقوعی اوست. آفرینش ترکیب‌های نوین با نیم کلمه « آمیز » است چنانکه گوید:
گشود لب به حدیثِ ترخم آمیزی ربود دل به نگاه تبسم آمیزی(۱۴۵)

ترکیبات و عبارات محاوره‌ای و عامیانه

یکی دیگر از ویژگی‌های مکتب و سبک وقوع و به تبع آن ، میلی مشهدی ، وجود ترکیبات و عبارات نزدیک به زبان عامه مردم در غزل آنهاست. این مشخصه را در سبک وقوع و واسوخت، مقدمه‌ساز سبک هندی است نیز میتوان یافت. نمونه‌های این ترکیبات در شعر میلی چنین است:

- به روی کسی آوردن :
به مردم اگر شکوه‌ای کردم از تو میاور به رویم که آزرده بودم (۱۱۶)
- رفته رفته :
ترسم که رفته رفته ، ناآشنا برآید(۱۰۶)
- برسر حرف کسی آمدن :
ز من نشنید میلی وز پیش رفت به آخر بر سر حرف من آمد (۱۶۰)
- گرفتن زبان کسی از اضطراب :
آزار بین که صد گله کردم به پیش یار با آنکه ز اضطراب ، زبانم گرفته بود(۷۵)
- سر به هوا :
میرود بی سر و پا ، سر به هوا ، ناپروا باز شوریده دل ، آشفته دماغی دارد(۹۰)

گزینش ردیف مناسب با درونمایه‌ها و جزئیات عشق در مکتب وقوع

از منع غیر، دوش که خندان گذشت و رفت	امروز با تبسم پنهان گذشت و رفت (۵۳)
شرمنده‌ام که روی ولی چون نمود و رفت	صدسرزنش ز ناکسی من، شنود و رفت (۵۵)
باز، تیرمژه بر جان بلا کش زد و رفت	همچو برق آمد و در خرمنم آتش زد و رفت (۶۰)
شب، مژده وصال شنیدم، نیامدی	بسیار انتظار کشیدم، نیامدی (۱۵۱)
بس که از ما بهر غیر ای بی وفا رنجیده‌ای	پیش ما شرمنده‌ای، از غیر تارنجیده‌ای (۱۴۸)
دل به تو بستم و ترک جفا ندهی	جان به تو دادم و داد مرا ندهی (۱۵۱)

گزینش ردیفهای محاوره‌ای، متناسب با درونمایه‌های شعری

من بی گناه و یار به کین می‌گشدم مرا	این می‌گشدم مرا، که چنین می‌گشدم مرا (۴۰)
ای از کرشمه، رخنه‌گر جان من بیا	آشوب دین و آفت ایمان من بیا (۴۱)
ز من جدایی آن گل‌عداز، نزدیک است	خجالت دل امیدوار، نزدیک است (۵۱)
جز خون دل، شراب ندانسته‌ام که چیست	غیر از جگر، کباب ندانسته‌ام که چیست (۵۳)
گشاد مهرة دل زین بساط، برطرف است	درین بساط دغل، انبساط، برطرف است (۵۸)
آتش به دل افروختن من شده نزدیک	وز پهلوی دل، سوختن من شده نزدیک (۱۱۶)

سطح ادبی

خالی بودن از صنایع لفظی و معنوی

یکی از ویژگیهای غزل میلی، همچون دیگر شاعران سبک وقوع آن است که شعرش از آرایه‌های لفظی و معنوی، کم بهره گرفته، بطوریکه ابیات دارای چند صنعت ادبی را به سختی میتوان یافت. بیشتر ابیات غزل‌های میلی حداکثر دارای یک یا دو آرایه ادبی هستند از جمله:

ضرب المثل

چون کنی دورم، نگاهی کن که بهر احتیاط
 رشته میبندند بر پا، مرغ دست آموز را (۳۷)

پارادوکس (متناقض نما)

ای که عزت طلبی، در طلب خواری باش
 ذوق تعظیم کجا، لذت دشنام کجا؟ (۴۳)

ایهام تناسب

میشدم گر دور، معذورم نمی بایست داشت (۶۰)	گر دلت را <u>دَرّه‌ای</u> نزدیک میدیدم به <u>مِهر</u>
	تشبیه
زیک تیرِ تغافل باز گردید (۱۰۱)	رقیب او را سگ دنباله رَو بود
	تشبیه و تناسب
وزششدر غم تو، امید گشاد نیست (۵۹)	در کعبتین عشق تو ، نقش مراد نیست
	تشبیه و استخدام
چون می، نگه تو ، فتنه انگیز (۱۱۱)	ای چشم تو همچو فتنه ، خونریز
	تشبیه

تشبیهات فشرده و گسترده را در غزل میلی ، میتوان یافت ولی بیشتر تشبیهات به صورت فشرده (اضافه تشبیهی) و از نوع تشبیهات عادی و معمولی بکار رفته در آثار نظم و نثر فارسی است که در قرنهای پیشین ، آفریده شده است برخی از تشبیهات نوین و کم کاربردِ غزل‌های میلی عبارتند از:

این مُشت استخوان که نشان خدنگ بود (۱۰۵)	شُکر خدا نصیب <u>همای نگاه</u> شد
تو به یک چشم زدن، خانه خرابم کردی (۱۵۴)	بود ایمن ز خلل، <u>عافیت آباد</u> دلم
بی نشان با نام مشهورم نمی بایست داشت (۶۰)	همچو میلی در <u>غم آباد فراموشی</u> ، چنین
در <u>دامگه ندامت</u> افتاد (۹۶)	مرغ دل ما گریخت زان طفل
<u>گُل ملاحظه</u> در دیده حیا نگذاشت (۵۶)	<u>طیب وصل تو</u> از <u>توتیای شوق</u> ، مرا
در دیده ، <u>گُل حیاست</u> ما را (۴۸)	افغان که به جلوگاه آن ماه

دیگر تشبیهات کم کاربرد که تقریباً تازگی دارند:

بازار تمنا ۴۷ / بازار جفا ۱۲۲ / تاجر عشق ۹۱ / باده خیال ۷۲ / خشکسال تفرقه
 ۱۱۹ / خشکسال هجر ۸۶ / باران وصل ۸۶ / رخت خواب ۱۰۴ / رخت صلاح و زهد
 ۱۲۵ / گیاه بلا ۱۴۵ / نخل بلا ۱۰۴، ۱۰۶ / رهن غم ۸۷ / نقد غم ۹۱ / رشته آه
 ۴۹ / قافله عقل ۶۰ / گرداب آرزو ۶۲ / زورگر کین ۸۷ / زخم تمنا ۹۲ / بازار تمنا
 ۴۷ / شراب تمنا ۸۵ / نخجیر امید ۸۷ / عقرب زلف ۱۰۷ / متاع دل ۹۱ / قافله
 عقل ۶۰ / قافله صبر ۸۷ / صرصر غم ۱۳۱ / گرد خوان بلا ۴۷ / پنبه داغ ۹۸ /
 پنبه داغ دل ۶۵ / رشته خرد ۹۷ / و ...

برخی از تشبیهات گسترده در غزل‌های میلی مشه‌دی

میلی، دلم شکسته و خونابه میرود	چون شیشه‌ای که پُر زمی لاله گون شکست (۵۵)
میلی خیال ابروی خنجر گذار او	رسوای شهر، چون مه نو میکند مرا (۵۰)
نسیم آه من از شوق آن رمیده غزال	چو گرد باد، علم شد به دشت پیمایی (۱۵۰)
بی غم چون هدف ناوک آسوده دلان	جانب خاطر افگار مرا وامگذار (۱۱۰)
نالد چو جرس از اثر ناله زارم	گر در دل ماتم زده، پیکان تو یابند (۸۶)
ز بیم طعنه، به هر جا روی، به هر که رسی	چو آفتاب، سراسیمه وار می گذری (۱۴۴)
استعاره مصرحه (آشکار)	
این نوع استعاره، همچون استعاره مکنیه (پنهان، پوشیده)، در غزل‌های میلی، کم کاربرد است. نکته دیگر آنکه بیشتر این استعارات، عادی و معمولی است که در شعر شاعران، پیش از میلی بکار رفته است برخی از استعارات زیبا، چنینند:	
شاخ گل تازه (= یار)	
ای شاخ گل تازه، ز دل‌بستگی من	نورسته نهال تو بسی داشت گرانی (۱۵۲)
بُت بد کیش (= یار)	
با این همه آزدگی و این همه خواری	میلی گله‌ای زان بُت بدکیش ندارد (۹۴)
آهوی بیگانه خوی (= چشم یار)	
مُردم ز بهر یک نگه آشنای یار	تا صید کیست آهوی بیگانه خوی او (۱۳۴)
آهوی صید افکن (= چشم یار)	
نیم بسمل شدم از آهوی صید افکن تو	چه کند تا به من آن غمزه خونخوار هنوز (۱۱۰)
آهوی ناخفته شب (= چشم یار)	
هر چشم زدن، آهوی ناخفته شب تو	اظهار خمار و هوس خواب نماید (۹۳)
لعل فسانه ساز (= لب یار)	
وعده، خلاف کرده‌ای با من و سازیم خجل	رنجه به فرض اگر کنی، لعل فسانه ساز را (۳۸)
مرغ شکسته بال و پر (= عاشق)	
زان مژه در دل، هزار تیر شکسته	رحم به مرغ شکسته بال و پری کن (۱۲۹)
آهوی نیم جان (= عاشق)	
میلی ترا کسی که ملامت ز عشق کرد	آهوی نیم جان به کمند بلا گرفت. (۵۱)

دیگر استعارات

آفتاب (= یار) ۱۰۸، ۱۲۸ / بت (= یار) ۱۰۷، ۸۸ / بت بیگانه (= یار) ۵۶ / شمع (= یار) ۸۸ / شمع بتان (= یار) ۶۱ / شمع بزم دگران (= یار) ۱۱۵ / ماه (= یار) ۴۸ / شهسوار (= یار) ۱۰۶ / شاخ گل (= یار) ۵۱، ۶۱، ۶۲، ۱۰۴ / عمر گرانیامیه (= یار) ۱۴۰ / صنم (= یار) ۴۳ / گل خودرو (= یار) ۷۰ / نرگس (= چشم یار) ۱۰۷ / نرگس نیم باز (= چشم یار) ۳۸ / صیاد (= چشم یار) ۱۰۱ / خدنگ بلا (= نگاه یار) ۱۵۰ / گلبرگ تر (= چهره یار) ۴۲، ۱۳۷ / سبزه‌نوخیز (= موهای روییده بر چهره یار) ۱۳۷ / لعل (= لب یار) ۶۲، ۸۶، ۹۳ / آهوی بسمل (= دل عاشق) ۱۰۱ / مرغ دست آموز (= عاشق) ۳۷ / سگ کهن زنجیر (= عاشق) ۱۰۹ /

تشخیص

تشخیص و استعاره مکنیه در غزل‌های میلی، بسیار کم کاربرد است.

برخی از تشخیصها:

آن غمزه در صغمژه خشمگین نشست / چون شحنه ای که بر سر بازار کین نشست (۶۲)
 به قصد کشتنم، در ساغر چشم / نگاه خشمگینش، زهر کین ریخت. (۶۳)
 صدشکر که افسردگیم یاد نیاید / هر چند که آن غمزه بیدادگرم سوخت. (۵۹)
 دلم به پنجۀ عشق تو مرغ نالانیست / که در شکنجۀ کین باز بست و وانگذاشت (۵۶)

سطح فکری

درونمایه‌ها و مضامین کهنه

هر چند مکتب وقوع، درونمایه‌ها و مضمونهای ویژه خود دارد، ولی گاهی نیز مضامین تکراری و کهنه را که شاعران قبل از میلی از آنها بهره گرفته‌اند در غزل میلی میتوان یافت. مانند:

طاق ابروی بتان را هر مسلمانی که دید / همچو میلی سجده محراب را مایل نماند (۸۴)
 شکست توبۀ میلی به دست مغبچه‌ای / که صد خجالت ازو پیر خانقه دارد (۸۴)
 دلها که در آیند در آن چاه زنخدان / صد یوسف گمگشته به زندان تویابند. (۸۶)

در شعر فارسی بر طبق یک سنت ادبی معمول نزد شاعران، دل‌های عاشقان، در زلف یار زندانی است. این سنت ادبی در بسیاری موارد در شعر عارفان، مفهوم و معنای عرفانی از آن اراده میشود، ولی در بیت زیر، زمینی و مجازی بودن عشق، آشکار است:

مکن ای دزد دلها، پیش مردم، شانه کاکل را / که ناگه میشود دل‌های سرگردان درو پیدا (۴۵)

بیان سوز دل عاشق با سادگی بیان و ایجاد موسیقی در ابیات

ای مایه آزار دل، فکر دل آزاری بکن / شکرانه آزادگی، یاد از گرفتاری بکن

غمزه زن، جولان کنان، با این و با آن هم‌عنان / زفتادگان چون بگذری، و در قفا باری بکن (۱۳۱)

تقابل عشق با عقل، زهد، صلاح، صبر و...

حسن تو براندازد، صبر و خرد و دین را / در زاویه خلوت، هنگامه نمیگنجد
چون عشق به شاگردان، تعلیم جنون گوید / در حلقه نادانان، عمامه نمیگنجد
سر در مکش ای زاهد، در غمکده میلی / در مجلس سربازان، عمامه نمیگنجد (۱۰۵)
بهر زنجیر زلف او میلی / داد، سر رشته خرد بر باد (۹۷)
رخت صلاح و زهد در آتش فکنده ایم / میلی نظر چو بر می بی‌غش فکنده ایم (۱۲۵)

طنز

به گفت و گوشت دلم با خیالش ای ناصح / برو برو که ندارم سر حکایت تو (۱۳۴)
ای شیخ، مغروری بسی بر زهد بی بنیاد خود / که عشق تا برهم زند، هنگامه پرهیز تو (۱۳۷)
سر در مکش ای زاهد، در غمکده میلی / در مجلس سربازان، عمامه نمیگنجد (۱۰۵)
نی بیم شحنه بود و نه پروای محتسب / تا روز، می به بانگ دف و نی کشیده ام (۱۲۴)

بار معنایی مثبت برای «رند»

زاهدا، به زتو آن رند شراب آلوده / که بُود از گنه خویش، حجاب آلوده
میبرد راه به خمخانه عرفان، رندی / که بود مست و نباشد به شراب آلوده (۱۳۹)
بشارت باد رندان را که ایام فراغ آمد / صبحی کرده هر کس بادف و نی، سوی باغ آمد (۹۵)

وعده های یار

معشوق زمینی و مجازی در مکتب وقوع، وعده‌هایش بی‌پاسخ است و کمتر، عملی می‌گردد و میلی در ابیات فراوان از وعده‌ها و ویژگی‌های وعده‌های او سخن رانده است. اکثراً وعده‌های یار با فریب نیز همراه میشود:

تا دمی دامان وصلش، دست شوقم سر دهد هر زمان بهر فریبم وعده دیگر دهد (۸۳)
به نا امید دل من، که آزمود ترا فریب وعده وصل تو بیوفا چه کند؟ (۷۷)
دیگر نمونه‌ها: خلاف وعده ۳۸، ۸۱، ۱۵۳ / خُلف وعده ۶۴ / فریب وعده ۳۸، ۱۵۳ /
وعده خلافی ۵۸، ۶۳، ۷۵، ۱۱۰ / وعده دادن یار به غیر ۷۲ / وعده خام ۱۱۲ / وعده
دیدار ۵۹، ۸۲، ۱۴۱ / وعده وصل ۷۰ / وفای وعده ۵۲ / فراموش وعده ۶۲ / وعده
فراموشی ۵۳ /

طفل بودن یار

هر چند در دیگر سبک‌های شعر فارسی از خردسال بودن یار سخن رفته ولی بسامد این ویژگی یار در غزل سبک وقوع، بیشتر است چنانکه میلی گوید:

یاد باد آنکه دلم بود به دست تو عزیز طفل بودی و ترا مرغ نو آموخته بود (۸۰)
دارم اندیشه بسپار ز بدخویی غیر گر چه آن طفل هنوزم ز حیا نشناسد
بخت بد، بین که به میلی نکند غیر جفا خردسالی که جفا را ز وفا نشناسد (۷۹)

دیگر نمونه‌ها: طفل شوخ ۴۳ / طفل شرمگین ۶۴ / طفل جفا جو ۱۲۰

بهانه گرفتن یار

در سبک وقوع، که شاعرانی چون میلی به بیان دقایق و جزئیات امور عشق و عاشقی می‌پردازند یکی از درونمایه‌های رایج در این مکتب، بهانه‌گیری معشوق است که میلی، غزلی دلنشین، روان و هنرمندانه در این زمینه سروده که در بیشتر تذکره‌ها، بیت یا ابیاتی از این غزل، نقل شده است:

غافل به من رسید و وفا را بهانه ساخت افکند سر به پیش و حیا را بهانه ساخت
تا از جفای او نرهم، خون من نریخت بیرحم، ترس روز جزا را بهانه ساخت
از بزم تا ز آمدن من برون رود برخاست گرم و دادن جا را بهانه ساخت
میخواست عمرها که شود مهربان غیر نامهربان، ستیزه ما را بهانه ساخت
میلی، ترا ز ننگ نیاورد در کمند کوتاهی کمند بلا را بهانه ساخت. (۵۷)

دیگر نمونه‌ها را در صفحات: ۱۹، ۶۹، ۷۱، ۹۴، ۱۲۷، ۱۳۸، ... از دیوان شاعر، میتوان یافت. میلی، معشوق را با صفات: بهانه جو ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، بهانه ساز ۳۸، ۸۵ آورده است.

حقارت و بی‌ارزشی عاشق

یکی از ویژگیهای نکوهیده و ناپسند سبک وقوع آن است که شاعر عاشق، در برابر معشوق زمینی و مجازی، بیش از حد، وفا داری ابراز میکند که در نهایت، بی‌ارزشی و تحقیر عاشق را به همراه دارد در شعر میلی نیز نمونه‌های این خواری و زبونی عاشق را میتوان یافت: شاعر، خود را «سگ کهن زنجیر یار» نامیده و از اینکه یار به عاشق دیگر دلبسته شده، غیرتمند و اندوهگین است:

سر داده‌ای کهن سگ زنجیر خویش را دلبسته کدام اسیر نوی دگر؟ (۱۰۹)
شاعر، یار را به آهویی تشبیه ساخته که با مردم (انسانها) معاشرت دارد و دلربایی میکند سپس خویش را سگ آن آهو، معرفی مینماید
دل از نگاه غزالان وحشی ام نرمید که گشته‌ام سگ آهوی مردم آمیزی (۱۴۵)

یار، آهوی وحشی است که رام کسی نمیشود و شاعر عاشق همچون سگ بی صاحب، آرام ندارد:

میلی آرام ندارد چو سگ بی صاحب کی شد آن آهوی وحشی به کسی رام کجا؟ (۴۳)
شاعر خود را در وفاداری به سگ دنباله دو معشوق تشبیه ساخته است:
رها ای شهسوار از کف عنان بارگی کردی فرامش از سگ دنباله دویکبارگی کردی (۱۵۲)
رقیب را سگ دنباله رو معشوق پنداشته که با یک تیر بی توجهی یار، واپس میخزد:

رقیب او را سگ دنباله رو بود ز یک تیر تغافل باز گردید. (۱۰۱)
ترکیبات پارادوکسی زیر نیز بطور غیر مستقیم از بی‌ارزشی عاشق، حکایت دارد: لذت آوارگی ص ۱۰۲ / لذت الم ص ۱۱۴ / لذت خنجر زدن (یار) ص ۱۲۴ / لذت داغ تازه عشق ص ۱۰۲ / لذت خدنگ (یار) ص ۴۳ / لذت نظاره ص ۱۱۱ / ذوق تعظیم ص ۴۳ / شکرانه دُشنام یار ص ۷۶ و ...

رقیبان و اغیار

در غزل میلی، همچون دیگر شاعران وقوعی، توجه ویژه به رقابت عاشقان در عشق شده است. غزل زیر میلی، توجه فراوان وی را به رقیبان و اغیار به روشنی بیان میکند:

عشاق که ترک ره دلدار گرفتند از غیرت همراهی اغیار گرفتند
تا با خبر از صحبت اغیار نباشم در پیش من از هم خبر یار گرفتند
شادم که نخواهد سوی اغیار نظر کرد در بزمش اگر جای من زار گرفتند
امید حمایت ز کسانی که مرا بود از ناکسیم جانب اغیار گرفتند...
میلی به سر راه تو جمعند رقیبان از یار مگر رخصت آزار گرفتند

(دیوان میلی مشهدی، ص ۷۱-۷۰)

غزل ۲۷۹ میلی که با ردیف « کیستی » سروده شده با مطلع :

امشب دگر کجایی و دلجوی کیستی؟ در خانه کئی و به پهلو کیستی؟ (۱۴۴)

از غیرت عاشق، حکایت دارد که در شعر شاعران پیش از میلی نیز که با همین ردیف و درون مایه، غزل سروده اند یافت میشود. از جمله خاقانی شروانی در غزل گوید:

ای راحت دلها به تو، آرام جان کیستی؟ دل در هوس، جان میدهد تادلستان کیستی؟
(دیوان خاقانی شروانی، ص ۶۶۶)

ای سرو غنچه لب، ز گلستان کیستی؟ وی ماه روز و ش، ز شبستان کیستی؟
(دیوان خاقانی شروانی، ص ۶۶۶)

نمونه‌های دیگر در دیوان میلی :

از رشک رقیبان، سوختن عاشق ص ۱۳۳، بزم رقیبان ۶۶، پیغام قتل (عاشق) آوردن رقیب ۹۲، خنده زدن رقیب ۶۶، رقیب آشنایی یار ۷۳، ستمهای رقیبان ۶۷، شرمنده رقیب شدن یار ۸۷، بزم اغیار ۵۵، شمع بزم افروز غیر شدن یار ۶۸، طعنه غیر ۷۳، می خوردن غیر با یار ۸۸، اطوار آن غیر آشنا ۱۱۸، غایت غیر آشناییهای (یار) ۱۴۸، رقیب ۴۲، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۵۸، ۶۳ و ...، رقیبان ۶۷، ۷۱، ۷۶، ۸۴، ۸۵ و ...، غیرت ۸۶، غیر ۳۷، ۴۰، ۴۵، ۵۲، ۶۲، ۸۴ و ...، اغیار ۷۰ چهار بار، ۸۶، ۸۷، ۱۴۶، ۱۵۲

حافظ و میلی

غزلهای زیر از حافظ شیرازی و میلی مشهدی، علاوه بر آنکه ویژگیهای مکتب وقوع را دارد، ضمیر شخصی « من » که بخشی از ردیف است بیانگر غیرت عاشق است که حافظ و میلی معشوق را فقط برای خود میخواهند. حافظ در غزل با مطلع زیر میفرماید :

هزار جهد بکردم که یار من باشی مراد بخش دل بیقرار من باشی

میلی گوید :

خوشاصلحی که شرم‌آلوده از آزارِ من باشی پشیمان ز آشتی از شکوهِ بسیارِ من باشی
به وقت گفتگویم روی برتابی و من خود را دهم تسکین که شاید گوش بر گفتار من باشی.
(دیوان میلی مشهدی ، ص ۱۴۶)

هر چند زمینی بودنِ غزلِ میلی ، از غزلِ حافظ ، آشکارتر است ولی در بیانِ جزئیاتِ
عشق، غیرتِ عاشق ، سادگیِ کلام و ... غزلِ حافظ را نیز میتوان دارای رگه‌هایی از غزل
وقوعی دانست که مورد استقبال میلی، قرار گرفته است. همچنین سه بیت نخستین غزل
۲۹۱ میلی از درونمایه‌های غزل ۳۸۲ حافظ تأثیر پذیرفته است با مطلع :

فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان لب بگشا که میدهد لعل لب‌ت به مُرده جان
(دیوان حافظ شیرازی ، ص ۲۶۴-۲۶۳)

به بالین من در تبِ غم نیایی و گر جان سپارم به ماتم نیایی
به پرسیدنم بس که تقصیر کردی کنون از خجالت به سویم نیایی
مرا گشتی و بهرِ دفعِ گمان هم به پرسیدنِ اهلِ ماتم نیایی (۱۴۸)
(دیوان میلی مشهدی ، ص ۱۴۸)

نشانه‌های مکتب وقوع در غزل زیر از حافظ، به روشنی یافت میشود و میلی مشهدی
نیز به تتبع و پیروی از آن غزلها سروده است:
مطلع غزل:

دوش می‌آمد و رخسار، بر افروخته بود تاکجا باز دل غمزده‌ای سوخته بود
میلی به اقتفای این غزل گفته است:
دوش از آن شعله که در جانِ من سوخته بود چون گلِ آینه‌ی روی تو بر افروخته بود...
(دیوان میلی مشهدی ، ص ۸۰)

میلی، غزلهای دیگر نیز به پیروی از حافظ سروده که ذکر آنها ، بحث دراز دامنی
خواهد شد.

نتیجه

میلی مشهدی یکی از شاعران نوپرداز غزل در قرن دهم هجری است که در سبک وقوع، اندکی بیش از سیصد غزل سروده. این غزلها، کوتاه، دلنشین و صمیمی، از همه ویژگیهای مکتب وقوع، بهره‌مند است. میلی در سطح زبان، کلمات و ترکیبات متناسب با درونمایه‌های شعر خویش برگزیده، همچنین غزلهایش از تعقیدها و پیچیدگیهای لفظی و معنوی بدور است. سادگی زبانش تا بخدی است که برخی غزلهای وی از آغاز تا پایان در نهایت سادگی و روانی است. بطوریکه همه مخاطبان و خوانندگان میتوانند به آسانی، مقصود و پیام شاعر را دریابند. عشق در غزل میلی، زمینی و مجازی است، کلام این سخنور، دارای سوز و گداز است که ذهن و روح مخاطبانش را متأثر میکند. گاهی نیز در شعرش، طنزهای کمرنگ میدرخشد. غزل میلی با غزلهای شاعران مکتب واسوخت، تشابهات و تفاوتها دارد. معشوق در غزل وی: بهانه‌جو، حيله‌گر، خردسال و ... است. گاهی بر مَرکَب، سوار میشود. روزه میگیرد. باده مینوشد. نامه عاشق را میدرد. بر حال عاشق، میگیرد. عاشق و پشیمان میشود، دامن بر میزند. فریب میخورد، هراسان، مضطرب، منفعل و شرمند شده و چون مذکر است دستار پریشان میکند. عاشق در غزل میلی: بسیار غیرتمند است. شرم و حیا و انفعال دارد، در عشق، رند و لا ابالی ساده دل و ساده لوح است، گله مند و دادخواه بوده، جمال پرستی و نظر بازی مینماید. حتی آرزوهای سطحی و سهل الوصول وی برآورده نمیشود در برابر معشوق، بسیار تحقیر و کم ارزش میگردد. صنایع بدیعی و بلاغی در غزل میلی، همچون دیگر شاعران این سبک، کم کاربرد است. بطوریکه کمتر اتفاق میافتد که در یک بیت، چندین آرایه یا تصویر هنری بکار رفته باشد. بیشتر تشبیهات و استعارات وی در شعر شاعران پیشین نیز یافته میشود. سخن شاعر، به سبب سادگی، روانی، سوز و گداز عاشقانه، صمیمیت و ... در وجود مخاطبان شعرش تأثیرگذار است.

منابع

- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، ج ۵، بخش دوم، چاپ پنجم، تهران: فردوس.
- تذکره ریاض‌الشعرا، واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴)، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصر آبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- تذکره شمع‌انجمن، حسن خان بهادر، محمد صدیق (۱۳۸۶)، تصحیح و تعلیق محمد کاظم کهدویی، چاپ اول، یزد: دانشگاه یزد.
- دیوان، حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۶۹)، به اهتمام محمد قزوینی و مقابله و کشف‌الابیات رحیم ذوالنور، قاسم غنی، مقدمه، چاپ اول، تهران: زوآر.
- دیوان، خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۳)، مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات ضیاء‌الدین سجّادی، چاپ چهارم، تهران: زوآر.
- دیوان، میلی مشهدی (۱۳۸۳)، تصحیح محمد قهرمان، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.
- سبک‌شناسی شعر در فرهنگنامه ادبی فارسی به سرپرستی حسن انوشه، ربیعان، محمد رضا و عباسپور، هومن (۱۳۸۱)، ج ۲، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۵)، چاپ دوم، تهران: میترا.
- سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۰)، چاپ سوم، تهران: فردوس.
- فرهنگ ادبیات فارسی، شریفی، محمد (۱۳۸۷)، چاپ اول، تهران: نو، معین.
- عرفات العاشقین و عرصات العارفین، اوحدی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین (۱۳۸۸)، مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصر آبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- کاروان هند، گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹)، ج ۲، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کلیات، سعدی، شیخ مصلح بن عبدالله (۱۳۸۶)، به اهتمام محمد علی فروغی، چاپ چهاردهم، تهران: امیر کبیر.
- میلی هروی در دانشنامه ادب فارسی به سرپرستی حسن انوشه عزیزاده، جمشید (۱۳۸۱)، ج ۳، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکتب وقوع، گلچین معانی، احمد (۱۳۷۴)، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی.